

بررسی تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی در ورود به حوزه کاری سلامت روان

تاریخ ارسال: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۳

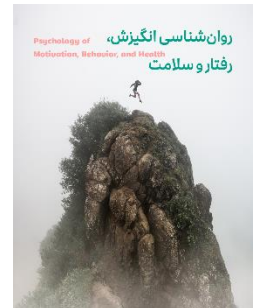
تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳

۱. زهره سلیمانی: گروه مشاوره تحصیلی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲. فرشاد نظری*: گروه مشاوره تحصیلی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Nazari.fff232sh@gmail.com



چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی برای ورود به حوزه شغلی سلامت روان است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ دانشجوی روان‌شناسی ساکن تهران جمع‌آوری شد. مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها پس از پیاده‌سازی کامل با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل و کدگذاری شدند. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه مضمون اصلی شامل: (۱) انگیزه‌های درونی و شخصی (مانند علاقه ذاتی، تجربه شخصی با مسائل روانی، احساس معنا)، (۲) عوامل بین‌فردی و محیطی (نظیر حمایت خانواده، تجربه مثبت با درمانگر، فرهنگ‌سازی سلامت روان)، و (۳) نگاه به آینده و شغلی (مانند فرصت‌های شغلی، استقلال کاری، پیشرفت حرفه‌ای) شد. نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان گویای پیچیدگی و تنوع عوامل مؤثر بر انگیزش آن‌ها بود. انگیزش دانشجویان روان‌شناسی برای ورود به حوزه سلامت روان پدیده‌ای چندلایه است که از تعامل عوامل فردی، اجتماعی و ساختاری ناشی می‌شود. توجه به این ابعاد می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی، مشاوره شغلی و سیاست‌گذاری‌های دانشگاهی برای افزایش انگیزش حرفه‌ای کمک کند.

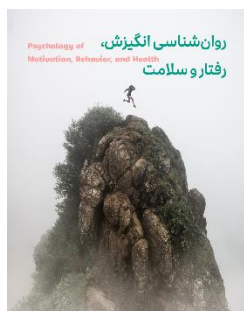
کلیدواژه‌گان: انگیزش شغلی، دانشجویان روان‌شناسی، سلامت روان، تحلیل مضمون، پژوهش کیفی

شیوه استناددهی: سلیمانی، زهره، و نظری، فرشاد. (۱۴۰۳). بررسی تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی در ورود به حوزه کاری سلامت روان. *روانشناسی انگیزش، رفتار و سلامت*، ۲(۲)، ۸-۱.



۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Exploring the Motivational Experiences of Psychology Students in Entering the Mental Health Profession



1. Zohreh Soleimani: Department of Educational Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran
2. Farshad Nazari *: Department of Educational Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: Nazari.fff232sh@gmail.com

Submit Date: 21 April 2024

Revise Date: 1 June 2024

Accept Date: 16 June 2024

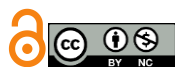
Publish Date: 3 July 2024

Abstract

The aim of this study was to explore and explain the motivational experiences of psychology students in choosing a career in the mental health profession. This qualitative study used a thematic analysis approach. Data were collected through semi-structured interviews with 21 psychology students in Tehran, selected via purposive sampling. Interviews continued until theoretical saturation was achieved. Data were transcribed verbatim and analyzed using Nvivo software. Analysis revealed three main themes: (1) Intrinsic and personal motivations (e.g., inherent interest, personal experience with psychological issues, sense of purpose); (2) Interpersonal and environmental factors (e.g., family support, positive experiences with therapists, public awareness of mental health); and (3) Future-oriented and career-related perspectives (e.g., job opportunities, professional advancement, flexible work). Participants' quotes reflected the complexity and diversity of motivational factors. Psychology students' motivation to enter the mental health field is a multifaceted phenomenon influenced by individual, social, and structural factors. Recognizing these dimensions can inform educational planning, career counseling, and university policies to enhance professional motivation.

Keywords: *Career motivation, psychology students, mental health, thematic analysis, qualitative research*

How to cite: Soleimani, Z., & Nazari, F. (2024). Exploring the Role of Motivation in the Sustainability of Substance Abstinence Behaviors Among Individuals Undergoing Treatment. *Psychology of Motivation, Behavior, and Health*, 2(2), 1-8.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

در سال‌های اخیر، توجه به سلامت روان به عنوان یکی از ارکان اصلی سلامت عمومی در جوامع گوناگون، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، با رشد چشم‌گیری همراه بوده است. در این میان، روان‌شناسان و مشاوران به عنوان بازیگران کلیدی در تأمین سلامت روان افراد جامعه شناخته می‌شوند. تربیت نیروی انسانی متعهد و با انگیزه در حوزه روان‌شناسی و مشاوره مستلزم شناخت دقیق از عوامل مؤثر بر انگیزش دانشجویان برای ورود به این حرفه است؛ چرا که تصمیم‌گیری حرفه‌ای و تعهد شغلی نقش بسزایی در کیفیت ارائه خدمات روان‌شناختی دارد (Schaufeli et al., 2002). این مقاله بر آن است تا با تمرکز بر تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی، به شناسایی عواملی بپردازد که آنان را به سمت اشتغال در حوزه سلامت روان سوق داده است.

بر اساس نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان (Deci & Ryan, 2000)، انگیزش انسان‌ها در یک طیف پیوسته از انگیزش بیرونی تا درونی قرار دارد و احساس شایستگی، خودمختاری و ارتباط با دیگران از عناصر کلیدی در انگیزش درونی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد بسیاری از دانشجویان روان‌شناسی به واسطه گرایش‌های درونی، علاقه شخصی، تجربه‌های زیسته و اهداف معناجویانه به این رشته وارد می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که علاقه درونی به کمک‌رسانی، تجربه‌های شخصی با آسیب‌های روانی، و امید به تأثیرگذاری در زندگی دیگران از عوامل اصلی در تصمیم‌گیری حرفه‌ای در روان‌شناسی هستند (Norcross & Guy, 2007).

در برخی موارد، تجربه درمان شخصی یا مشاهده مشکلات روانی در نزدیکان به عنوان انگیزه‌ای قوی برای انتخاب حرفه روان‌شناسی گزارش شده است (Geller, Norcross, & Orlinsky, 2005). این تجربه‌ها نوعی «شفای دوسویه» را رقم می‌زنند که در آن فرد همزمان که به دیگران کمک می‌کند، به رشد شخصی خود نیز دست می‌یابد. چنین انگیزه‌هایی اغلب با احساس رسالت، معنا، و هدفمندی در زندگی حرفه‌ای همراه هستند (Skovholt & Rønnestad, 2003). بر همین اساس، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در روان‌شناسی، به شدت با عوامل درونی و تجربیات فردی درهم تنیده است.

در کنار عوامل درونی، عوامل بین‌فردی نیز در شکل‌گیری انگیزش نقش مهمی ایفا می‌کنند. حمایت خانواده، بازخورد مثبت اطرافیان، تشویق استادان و الگوبرداری از درمانگران موفق از جمله عوامل محیطی‌اند که در مطالعات مختلف به عنوان محرک‌های تأثیرگذار بر انتخاب مسیر حرفه‌ای در حوزه سلامت روان گزارش شده‌اند (Rønnestad & Skovholt, 2013). مطالعات همچنین نشان می‌دهند که تجربه تعامل مثبت با مشاوران و درمانگران، موجب درونی‌سازی ارزش‌های حرفه‌ای در دانشجویان شده و علاقه آن‌ها به این حوزه را تقویت می‌کند (Hill, Sullivan, Knox, & Schlosser, 2007).

از سوی دیگر، تحولات اجتماعی، افزایش آگاهی عمومی، کاهش انگ اجتماعی مرتبط با مشکلات روانی و رشد روزافزون تقاضا برای خدمات مشاوره‌ای و درمانی در جامعه، شرایطی را ایجاد کرده که حرفه روان‌شناسی نه تنها از منظر انسانی، بلکه از نظر حرفه‌ای نیز جذابیت فزاینده‌ای یافته است. گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO, 2022) تأکید دارد که کمبود متخصصان سلامت روان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، چالش بزرگی در ارائه خدمات روان‌شناختی مؤثر است. در ایران نیز با وجود پیشرفت‌های آموزشی، هنوز فاصله معناداری میان نیاز جامعه و ظرفیت خدمات روان‌شناسی وجود دارد که می‌تواند خود به عنوان انگیزه‌ای برای جذب دانشجویان در این حوزه عمل کند (Yasamy et al., 2001).

همچنین مطالعات نشان داده‌اند که نگاه به آینده حرفه‌ای، امکان پیشرفت شغلی، استقلال کاری، انعطاف در زمان‌بندی، و حتی درآمد قابل قبول در بلندمدت از جمله عواملی هستند که بر انگیزش دانشجویان برای انتخاب مسیر سلامت روان تأثیر گذارند (Gibson, Dollarhide, & Moss, 2010). این عوامل به‌ویژه برای نسل جوان که به دنبال تحقق اهداف شخصی در کنار موفقیت شغلی هستند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این میان، فضای آموزشی دانشگاه نیز نقش مؤثری در جهت‌دهی به علاقه‌مندی و انگیزش دانشجویان دارد. دوره‌های عملی، کارورزی، ارتباط مستقیم با بیماران، و نقش مدل‌های حرفه‌ای (اساتید و مشاوران با تجربه) می‌تواند در شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به آینده حرفه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد (Beutler et al., 2004). به‌علاوه، مطالعات کیفی نیز نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها نیز در ترویج فرهنگ سلامت روان و انگیزه‌سازی در دانشجویان نقش نوظهوری ایفا می‌کنند، به‌گونه‌ای که دسترسی گسترده به محتوای روان‌شناسی و نمونه‌های موفق در فضای مجازی بر تصمیم‌گیری حرفه‌ای اثرگذار است (Lewis, 2018).

با وجود اهمیت فراوان انگیزش در ورود به حوزه سلامت روان، در ایران مطالعات اندکی به‌صورت عمیق و کیفی به بررسی تجربه زیسته و انگیزه‌های واقعی دانشجویان روان‌شناسی پرداخته‌اند. اغلب پژوهش‌ها رویکرد کمی داشته و یا بر جنبه‌های سطحی انگیزش متمرکز بوده‌اند. از این رو، انجام مطالعه‌ای کیفی با هدف کشف ابعاد انگیزشی از زبان خود دانشجویان، امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

پژوهش حاضر در تلاش است تا با استفاده از روش کیفی و تحلیل مضمون، تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی را در انتخاب مسیر شغلی در حوزه سلامت روان بررسی کند. تمرکز این مطالعه بر شناسایی عوامل درونی، بین‌فردی و شغلی مؤثر بر انگیزش این دانشجویان بوده و می‌کوشد تصویری واقع‌گرایانه از فرایند انگیزشی ورود به این حوزه ارائه دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزشی، استادان دانشگاه و نهادهای مشاوره‌ای جهت طراحی برنامه‌های هدایت شغلی و ارتقاء انگیزش حرفه‌ای در دانشجویان سودمند واقع شود.

روش‌شناسی

این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری (Interpretative Phenomenological Analysis) با هدف بررسی تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی در ورود به حوزه کاری سلامت روان انجام شد.

طرح پژوهش به صورت کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۱ دانشجوی روان‌شناسی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند که علاقه‌مند به اشتغال در حوزه سلامت روان بودند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند و با استفاده از معیار تنوع در تجربه، سال تحصیل، و گرایش تحصیلی صورت گرفت. محل پژوهش دانشگاه‌های واقع در شهر تهران بود و مشارکت‌کنندگان با رضایت آگاهانه وارد مطالعه شدند.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (Semi-structured interviews) گردآوری شد. راهنمای مصاحبه شامل سؤالاتی در زمینه علل، محرک‌ها، و تجربیات انگیزشی دانشجویان در انتخاب مسیر شغلی سلامت روان بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به‌گونه‌ای که پس از مصاحبه با ۲۱ نفر داده‌های جدیدی به مطالعه اضافه نشد و اشباع نظری حاصل گردید. هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۵ تا ۶۵ دقیقه به طول انجامید و با اجازه مشارکت‌کنندگان ضبط صوت شد.

داده‌های گردآوری‌شده به کمک نرم‌افزار Nvivo و با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) تحلیل شدند. در مرحله اول، متن کامل مصاحبه‌ها به‌طور دقیق پیاده‌سازی شد و سپس با مرور مکرر داده‌ها، کدگذاری اولیه انجام گرفت. در ادامه، کدها در قالب مقولات فرعی

و در نهایت تم‌های اصلی طبقه‌بندی شدند. جهت افزایش اعتبار تحلیل‌ها، فرآیند کدگذاری توسط دو پژوهشگر به صورت مستقل انجام شد و از تکنیک بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (member check) و بازبینی همتایان (peer debriefing) برای افزایش پایایی استفاده شد.

یافته‌ها

مضمون اول: انگیزه‌های درونی و شخصی

علاقه عمیق به روان‌شناسی:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که از سال‌های اولیه تحصیل یا حتی پیش از ورود به دانشگاه، علاقه‌مند به شناخت ذهن، احساسات و رفتار انسان‌ها بوده‌اند. یکی از دانشجویان گفت: «همیشه برام سؤال بود که چرا بعضیا به رفتار خاص دارن و چجوری میشه ذهنشون رو فهمید». این علاقه ذاتی باعث شده انتخاب رشته روان‌شناسی برای آن‌ها کاملاً آگاهانه و با انگیزه درونی باشد.

تجربه شخصی با مسائل روانی:

برخی از مشارکت‌کنندگان تجربه مستقیم با مشکلات روانی در خود یا اطرافیان داشتند که به‌عنوان انگیزه‌ای قوی برای ورود به حوزه سلامت روان مطرح شد. یکی از آن‌ها گفت: «خودم به دوره افسردگی داشتم و وقتی مشاوره گرفتم، تغییر بزرگی تو زندگیم اتفاق افتاد. همون‌جا تصمیم گرفتم روان‌شناس بشم تا بتونم اون تأثیر رو برای بقیه هم داشته باشم».

احساس معنا و رسالت:

بسیاری از دانشجویان این حرفه را فراتر از یک شغل می‌دانستند و آن را رسالتی انسانی و اجتماعی تلقی می‌کردند. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «وقتی می‌تونم حال یه نفر رو بهتر کنم، حس می‌کنم زندگیم معنا پیدا کرده». این حس معنا در زندگی شغلی یکی از عناصر کلیدی انگیزش درونی آن‌ها بود.

رشد فردی در فرآیند آموزش:

فرآیند آموزش در رشته روان‌شناسی برای برخی از دانشجویان خود نوعی خودشناسی و خودسازی بوده است. یکی از آن‌ها بیان کرد: «تو این چند سال خیلی چیزها در مورد خودم یاد گرفتم. یاد گرفتم چطور احساساتمو بشناسم و مدیریت کنم. انگار همزمان با یادگیری برای درمان دیگران، خودم هم درمان شدم».

لذت از کمک و حمایت‌گری:

تمایل به کمک به دیگران، شنیدن مشکلات‌شان و همراهی در مسیر بهبود، برای برخی مشارکت‌کنندگان لذت‌بخش و انگیزه‌بخش بود. یک نفر عنوان کرد: «وقتی کسی ازم تشکر می‌کنه که تونستم کمکش کنم، اون لحظه بهترین حس دنیاست».

مضمون دوم: عوامل بین فردی و محیطی

تشویق اطرافیان:

حمایت و تشویق اعضای خانواده، دوستان و استادان نقش مهمی در تقویت انگیزه ورود به این حوزه داشته است. یکی از دانشجویان گفت: «مادرم همیشه می‌گفت تو خیلی خوب گوش می‌دی، به نظرم روان‌شناس خوبی می‌شی». این نوع بازخوردها اعتمادبه‌نفس و انگیزش آن‌ها را افزایش داده بود.

تجربه مثبت با درمانگران:

برخی از مشارکت‌کنندگان از تجربه‌های موفق خود با مشاوران یا درمانگران یاد کردند. یکی گفت: «مشاور مدرسه‌مون خیلی روی من تأثیر گذاشت. با حرفاش آروم می‌شدم و همون باعث شد به این رشته علاقه‌مند شم». این تجربیات زمینه‌ساز علاقه‌مندی عمیق‌تر به حرفه سلامت روان بود. نیاز جامعه به متخصص روان‌شناسی:

درک نیاز شدید جامعه به خدمات روان‌شناسی، به‌ویژه در مدارس، محیط‌های کار و خانواده‌ها، از دیگر انگیزه‌های مشارکت‌کنندگان بود. یک نفر عنوان کرد: «همه جا پر از آدم‌هاییه که مشکل دارن و کسی نیست بهشون کمک کنه. این خودش انگیزه‌ست که وارد این حوزه بشی». فرهنگ‌سازی درباره سلامت روان:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که شرایط اجتماعی نسبت به گذشته بهتر شده و فضا برای صحبت درباره مسائل روانی بازتر شده است. یکی از آن‌ها گفت: «الان دیگه خیلیا بدون خجالت می‌رن مشاوره. همین تغییر فرهنگی انگیزه می‌ده که وارد این مسیر بشی و کمک کنی». فضای دانشگاهی الهام‌بخش:

محیط دانشگاه، تعامل با استادان متخصص و تجربه‌های میدانی از جمله کارورزی، بر انگیزش دانشجویان تأثیرگذار بوده است. دانشجویی اظهار داشت: «بعد از اینکه تو کلینیک دانشگاه با بیماران کار کردم، مطمئن شدم که این راهیه که می‌خوام برم». شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها:

شبکه‌های اجتماعی نیز در ترغیب برخی دانشجویان نقش ایفا کرده‌اند. یک نفر اشاره کرد: «وقتی پستای روان‌شناسی رو تو اینستاگرام می‌دیدم و حرفای تخصصی مشاورا رو می‌شنیدم، بیشتر علاقه‌مند می‌شدم که وارد این کار بشم». مضمون سوم: نگاه به آینده و شغلی

فرصت‌های شغلی آینده:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان به آینده این حرفه امیدوار بودند و به افزایش نیاز جامعه به خدمات روان‌شناسی اشاره داشتند. یکی از آن‌ها گفت: «هر روز که می‌گذره آدمای بیشتری دنبال مشاوره‌ان. این یعنی بازار کارش روبه‌رشد هست». امکان پیشرفت حرفه‌ای:

قابلیت ادامه تحصیل و ارتقاء تخصصی نیز برای بسیاری از دانشجویان مهم بود. به گفته یکی از آن‌ها: «می‌خوام تا دکترا ادامه بدم و تو درمان‌های تخصصی مثل طرحواره‌درمانی حرفه‌ای بشم». استقلال کاری و زمان‌بندی منعطف:

داشتن استقلال شغلی و انعطاف‌پذیری در زمان کار از دیگر مشوق‌ها بود. دانشجویی توضیح داد: «دوست دارم کلینیک خودمو داشته باشم. اینکه خودم تصمیم بگیرم کی و چطور کار کنم برام جذابه». درآمد قابل قبول در بلندمدت:

برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که با افزایش تجربه و تخصص، می‌توانند به درآمد مناسبی در این حوزه دست یابند. یک نفر گفت: «اوایل شاید درآمد کم باشه، ولی با گذشت زمان و شناخته شدن، وضعیت مالی بهتر می‌شه». شناخته شدن در جامعه حرفه‌ای:

کسب اعتبار علمی و تبدیل شدن به فردی اثرگذار در حوزه روان‌شناسی نیز به عنوان یکی از اهداف انگیزشی مطرح شد. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «دوست دارم کتاب بنویسم، کارگاه برگزار کنم و آدم‌ها منو به عنوان یه مشاور مؤثر بشناسن».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر با هدف شناسایی تجارب انگیزشی دانشجویان روان‌شناسی برای ورود به حوزه سلامت روان، نشان‌دهنده نقش چندبعدی انگیزه‌های درونی، بین‌فردی و نگاه به آینده در این تصمیم حرفه‌ای بود. مضامین استخراج شده در سه دسته کلی شامل «انگیزه‌های درونی و شخصی»، «عوامل بین‌فردی و محیطی» و «نگاه به آینده و شغلی» طبقه‌بندی شدند که هر یک حاوی زیرمضامین متعددی بودند. این نتایج نشان می‌دهد که فرآیند انگیزش برای انتخاب حرفه در حوزه روان‌شناسی نه تنها به عوامل فردی و روان‌شناختی بستگی دارد، بلکه متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و تحولات حرفه‌ای نیز هست.

یکی از اصلی‌ترین یافته‌های پژوهش، تأثیر علاقه درونی به روان‌شناسی و شناخت انسان به عنوان محرک بنیادین در ورود به این رشته بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که از سال‌های پیش از ورود به دانشگاه به تحلیل رفتار انسان علاقه‌مند بوده‌اند. این نتیجه با یافته‌های مطالعات پیشین همخوانی دارد که علاقه شخصی را به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی رضایت شغلی و تعهد حرفه‌ای در روان‌شناسان مطرح کرده‌اند (Norcross & Guy, 2007). همچنین تجربه شخصی با مشکلات روانی، چه در خود فرد و چه در اطرافیان، عامل مؤثری در ایجاد همدلی، شناخت بهتر از نیازهای روان‌شناختی مراجعان و تمایل به کمک‌رسانی است. یافته‌های مشابهی توسط Geller و همکاران (۲۰۰۵) گزارش شده‌اند که در آن روان‌درمان‌گران، تجربه شخصی با رنج روانی را یکی از علل ورود خود به این حرفه دانسته‌اند.

از سوی دیگر، احساس معنا، رسالت و تمایل به کمک به دیگران به عنوان مؤلفه‌های انگیزشی بارز در مصاحبه‌ها مطرح شدند. این موضوع مطابق با نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان (۲۰۰۰) است که بر اهمیت نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط در شکل‌گیری انگیزش درونی تأکید دارد. حس معنا و تأثیرگذاری در زندگی دیگران، اغلب موجب پایداری بیشتر فرد به مسیر حرفه‌ای و تاب‌آوری بالاتر در برابر فشارهای شغلی می‌شود (Deci & Ryan, 2000).

در زمینه عوامل بین‌فردی، حمایت خانواده، بازخورد مثبت دوستان و الگوبرداری از مشاوران موفق، نقشی کلیدی در تقویت انگیزش ایفا کرده‌اند. این نتیجه با مطالعه Hill و همکاران (۲۰۰۷) همخوان است که در آن تعامل مثبت با استادان و درمانگران حرفه‌ای باعث ارتقای انگیزش حرفه‌ای در دانشجویان روان‌شناسی شده بود. همچنین، تجربه درمان موفق توسط مشاوران، نوعی انگیزش انتقالی را در برخی دانشجویان ایجاد کرده که منجر به علاقه‌مندی آن‌ها به این حرفه شده است. این فرآیند در مطالعات Rønnestad و Skovholt (۲۰۰۳) نیز گزارش شده و «فرایند شفاگرانه دوطرفه» نام گرفته است.

از جنبه فرهنگی و اجتماعی، مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که جامعه امروز نسبت به گذشته آمادگی بیشتری برای پذیرش درمان روان‌شناختی دارد و فضای گفت‌وگو درباره مسائل روانی بازتر شده است. این تغییر فرهنگی، نه تنها مانعی را برای انتخاب مسیر حرفه‌ای برطرف کرده، بلکه خود تبدیل به یک محرک انگیزشی برای ورود به این حوزه شده است. یافته‌های سازمان جهانی بهداشت (WHO, 2022) نیز نشان می‌دهند که افزایش آگاهی عمومی و کاهش انگ بیماری روانی از عوامل مهم در رشد خدمات روان‌شناسی در کشورها به شمار می‌رود.

در ارتباط با مضمون سوم، یعنی نگاه به آینده، بسیاری از مشارکت‌کنندگان به فرصت‌های شغلی، امکان پیشرفت علمی، استقلال کاری و درآمد بلندمدت اشاره داشتند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش Gibson و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد که در آن امید به توسعه حرفه‌ای و تحقق خود به عنوان انگیزه‌های مهم در انتخاب مسیر شغلی توسط دانشجویان روان‌شناسی معرفی شده‌اند. همچنین امکان فعالیت به صورت مستقل، ایجاد کلینیک شخصی، انعطاف‌پذیری در زمان کار و درآمد مناسب از جمله عوامل مهم در تصمیم‌گیری حرفه‌ای دانشجویان بوده‌اند.

فضای دانشگاهی، نقش کلیدی در شکل‌گیری انگیزش حرفه‌ای دانشجویان ایفا کرده است. شرکت در دوره‌های عملی، تعامل با بیماران، و بهره‌مندی از تجربه استادان، بر درک واقع‌گرایانه‌تر از حرفه روان‌شناسی تأثیرگذار بوده است. این مسئله با نتایج مطالعه Beutler و همکاران (۲۰۰۴) همخوانی دارد که نشان داده‌اند تجربه عملی در حین تحصیل موجب تقویت مهارت‌های حرفه‌ای و انگیزه شغلی می‌شود. همچنین، اشاره به نقش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جدید در آشنایی دانشجویان با فضای حرفه‌ای روان‌شناسی و انگیزه‌سازی از نکات جدید این پژوهش است که در مطالعات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است، هرچند Lewis (۲۰۱۸) به نقش محتوای آنلاین در ترویج سلامت روان اشاره کرده است. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که انگیزش دانشجویان روان‌شناسی برای ورود به حوزه سلامت روان، پدیده‌ای چندلایه و میان‌رشته‌ای است که تحت تأثیر ترکیبی از عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و ساختاری قرار دارد. درک این عوامل می‌تواند به بهبود فرآیند هدایت تحصیلی، طراحی دوره‌های آموزشی مؤثرتر و ارتقاء انگیزش حرفه‌ای در نسل آینده متخصصان روان‌شناسی کمک کند.

موازين اخلاقي

در انجام این پژوهش تمامی موازين و اصول اخلاقي رعایت گردیده است.

مشاركت نويسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نويسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

References

- Beutler, L. E., Malik, M., Alimohamed, S., Harwood, T. M., Talebi, H., Noble, S., & Wong, E. (2004). Therapist variables. In M. J. Lambert (Ed.), *Bergin and Garfield's handbook of psychotherapy and behavior change* (5th ed., pp. 227–306). Wiley.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.
- Geller, J. D., Norcross, J. C., & Orlinsky, D. E. (2005). *The psychotherapist's own psychotherapy: Patient and clinician perspectives*. Oxford University Press.
- Gibson, D. M., Dollardhide, C. T., & Moss, J. M. (2010). Professional identity development: A grounded theory of transformational tasks of new counselors. *Counselor Education and Supervision*, 50(1), 21–38.
- Hill, C. E., Sullivan, C., Knox, S., & Schlosser, L. Z. (2007). Becoming psychotherapists: Experiences of novice trainees in a beginning graduate class. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 44(4), 434–449.
- Lewis, S. P. (2018). Online mental health: Trends, concerns, and strategies for engaging young people. *Journal of Youth Studies*, 21(3), 384–397.
- Norcross, J. C., & Guy, J. D. (2007). *Leaving it at the office: A guide to psychotherapist self-care*. Guilford Press.
- Rønnestad, M. H., & Skovholt, T. M. (2013). *The developing practitioner: Growth and stagnation of therapists and counselors*. Routledge.
- Schaufeli, W. B., Salanova, M., González-Romá, V., & Bakker, A. B. (2002). The measurement of engagement and burnout: A two sample confirmatory factor analytic approach. *Journal of Happiness Studies*, 3(1), 71–92.
- Skovholt, T. M., & Rønnestad, M. H. (2003). Struggles of the novice counselor and therapist. *Journal of Career Development*, 30(1), 45–58.
- World Health Organization (WHO). (2022). *World mental health report: Transforming mental health for all*. Retrieved from <https://www.who.int>

Yasamy, M. T., Shahmohammadi, D., Bagheri Yazdi, S. A., & Bolhari, J. (2001). Mental health in the Islamic Republic of Iran: Achievements and challenges. *Eastern Mediterranean Health Journal*, 7(3), 381–391.